



مجلس دولانم

نقش زنان در نهضت عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

مقدمه

امام حسین علیه السلام هنگام عزیمت به کربلا، عده‌ای از زنان را (از بستگان خویش و دیگران) به همراه داشت. این عده که نقش نظامی و جنگی نداشتند، نقش‌های دیگری بر عهده گرفتند که فلسفه حضورشان را در این حماسه، نشان می‌داد.

در این مقاله، هم با نقش‌های اجتماعی، تبلیغی، پیام‌رسانی و افشاگری بانوان آشنا می‌شویم و هم با چهره‌های شاخص و نمونه از این زنان انقلابی و اثرگذار. درس‌هایی که این حضور و مشارکت برای امروزیان دارد، نکته‌دیگری است که در لابه‌لای مباحث این نوشته، آشکار می‌شود.

همچنین دسته‌بندی‌های آماری از زنان و نمونه‌هایی از نقل‌های تاریخی که گویای این اهداف و دست‌آوردهاست، تقدیم شما خواهد شد.

شناخت آماری از زنان

پیش از هر بحث و تحلیلی، تقسیم‌بندی طیفی و آماری زنانی که در نهضت عاشورا

* محقق و نویسنده.

حضور داشتند و در تاریخ، نام و مشخصات آنان آمده است:

۱. زنان حاضر در نهضت عاشورا، برخی از اولاد حضرت علی علیه السلام بودند و بعضی از بنی‌هاشم یا دیگران. از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان از حضرت زینب علیه السلام، ام‌کلثوم علیه السلام، فاطمه علیه السلام، صفیه علیه السلام، رقیه علیه السلام و ام‌هانی علیه السلام را نام برد. سکینه علیه السلام و فاطمه علیه السلام نیز دختران حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودند که در نهضت کربلا مشارکت داشتند. عاتکه علیه السلام، مادر محسن بن حسن و دختر مسلم بن عقیل؛ نیز از زنان حاضر در کربلا بودند.^۱

۲. پنج نفر از زنان در کربلا، از خیمه‌گاه حسینی به طرف میدان بیرون آمدند که عبارت‌اند از: کنیز مسلم بن عوسجه، ام وهب زن عبدالله کلبی، مادر عبدالله کلبی، مادر عمرو بن جناده و زینب کبری علیه السلام.

۳. دو زن شیردل، از فرط شور انقلابی و احساس مظلومیت امام حسین علیه السلام، به حمایت حضرت برخاستند و جنگیدند. مادر عبدالله بن عمر که پس از شهادت فرزند، با عمود خیمه به طرف دشمن روی کرد و امام او را برگرداند. دیگری مادر عمرو بن جناده که پس از شهادت پسرش، سر او را گرفت؛ سپس شمشیر برداشت و با رجزخوانی به میدان رفت که باز هم امام حسین علیه السلام او را به خیمه برگرداند.^۲

۴. زنی که در عاشورا شهید شد، مادر وهب بود. بانوی نمیریۀ قاسطیه، زن عبدالله بن عمیر کلبی که بر بالین شوهر آمد و از خدا آرزوی شهادت کرد و همان‌جا با عمود غلام شمر که بر سرش فرود آمد، کشته شد.

۵. دلهم، همسر زهیر بن قین، در راه کربلا به اتفاق همسرش به کاروان حسینی پیوست. زهیر بیشتر تحت تأثیر سخنان همسرش حسینی شد و به امام پیوست. زنی از قبیلهٔ بکر بن وائل نیز، در کربلا حضور داشت که ابتدا با شوهرش در سپاه

۱. حسین عمادزاده، زندگانی سیدالشهدا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۲۳۶.

عمر سعد بود؛ ولی هنگام حمله سپاهیان کوفه به خیمه‌های اهل بیت:، شمشیری برداشت و رو به خیمه‌ها آمد و آل بکر بن وائل را به یاری و حمایت از اهل بیت: طلبید.

۶. زینب کبری علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام، دختران امیرالمؤمنین علیه السلام، همچنین فاطمه دختر سیدالشهدا علیه السلام نیز جزء زنان حاضر در کربلا بودند که در دوران اسارت، در کوفه و شام، سخنرانی‌های افشاگرانه داشتند.

نقش آفرینی‌ها

حضور اثرگذار بانوان در نهضت عاشورا، به منزله ایفای نقش مسئولانه زن مسلمان در حوادث و تحولات اجتماعی و سیاسی و موضع داشتن در مقابل جریان باطل و سلطه ستم و جانبداری از جریات حق و ولایت، تداوم خطی است که حضرت زهرا علیها السلام در حمایت از امام معصوم و افشاگری علیه‌های ناسالم حاکمان ستمگر داشت. حضور حضرت زینب علیها السلام در کنار امام حسین علیه السلام و در تداوم جهاد و شهادت او، برای ایفای همین نقش بود که از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا آمد و پس از واقعه عاشورا، با حضور مقتدرانه‌اش در کوفه و شام - هر چند در لباس اسارت - بزرگ‌ترین درس‌های آزادگی و حمایت از حق را به ما آموخت و معلم آزادگی شد.

۱. افشاگری

ظلم‌ها و جنایت‌های دودمان اموی به آل الله، مایه رسوایی آنان شد. دستگاه حکومت، چه در کوفه و چه در شام، می‌کوشید پرده‌ای روی آن جنایات، نسل‌کشی و هتک حرمت بکشد؛ اما زنان قهرمان عاشورا، با ابراز شهادت و ایراد خطابه در مقابل مردم و دستگاه جبار، پرده از چهره ننگین امویان کنار زدند، آنان را رسوا

ساختند و به جامعه، بیان حق را در برابر سلطه‌گران باطل آموختند. این درس، هنوز هم کاربرد دارد و زنده است.

۲. پیام‌رسانی خون شهدا

اگر افشاگری‌ها و پیام‌رسانی‌های زنان عاشورایی نبود، چه بسا خون شهدای کربلا هدر می‌رفت و مردم از عمق آن حماسه آگاه نمی‌شدند؛ اما زنان و در رأس آنان حضرت زینب علیها السلام نگذاشتند پیام عاشورا فراموش و گم شود! حقایق را بیان کردند و اهداف خون‌های مقدسی را که در کربلا بر زمین ریخت، به گوش خفتگان رساندند.

سرنی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چهرهٔ سرخ حقیقت، بعد از آن طوفان رنگ پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود
چشمهٔ فریاد مظلومیت لب تشنگان در کویر تفته، جا می‌ماند اگر زینب نبود^۱

۳. پرستاری و پشتیبانی

مثل زمان صدر اسلام و جنگ‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، حضور زنان در میدان نبرد، نقش پرستاری، پشتیبانی، امدادگری و مداوای مجروحان را داشت؛ به‌ویژه دربارهٔ حضرت زینب علیها السلام، نقش پرستاری از امام سجاد علیه السلام و مدیریت صحنهٔ پشت جبهه و ساماندهی امور زنان و کودکان دیگر را به صورت پررنگ نقل کرده و از تخصیص سهم خود از آب و غذا به کودکان کاروان یاد نموده‌اند.

۴. روحیه‌بخشی

حضور مادران، خواهران و همسران مردان حاضر در صحنهٔ عاشورا، هم قوت قلبی

۱. قادر طهماسبی (فرید).

برای قهرمانان کربلا بود، هم در تشجیع رزم‌آوران و ترغیب فرزندان و همسران خود، به دفاع از امام و فداکاری در راه حق و تنها نگذاشتن ولی عصر، اثرگذار بود. نمونه‌هایی همچون همسر زهیر بن قین، همسر مسلم بن عوسجه، ام‌وهب، همسر خولی (پس از عاشورا)، مادر حضرت قاسم علیه السلام، زینب کبری علیها السلام که دو فرزندش را به میدان فرستاد و... قابل تأمل است.

۵. مدیریت در شرایط بحران

در هر جنگ که با کشته شدن جمعی و اسارت جمع دیگر همراه باشد، حوادث تلخ و موقعیت‌های خطیری پیش می‌آید که نیاز به «مدیریت بحران» است. در کربلا، همه مردان به شهادت رسیدند و زنان و کودکان به اسارت رفتند. نقش مدیریتی حضرت زینب علیها السلام که قافله‌سالار اسیران و سرپرست کودکان بود و مراقبت از آن مجموعه داغدار و بازماندگان شهدا در اوضاع دشوار دوران اسارت را، در کنار نیروهای دشمن و کوچ دشوار شهر به شهر تا رسیدن به کوفه، سپس دربار شام و بعد بازگشت به مدینه، برعهده داشت، در جایگاه یک الگو مطرح است و ظرفیت بالای مدیریت آن بانوی قهرمان را نشان می‌دهد.

۶. تبدیل اسارت به فرصت

دشمنان فکر می‌کردند با اسارت اهل بیت امام حسین علیه السلام و گرداندن شهر به شهر آنان، از دیگران زهرچشم می‌گیرند؛ اما زنان قهرمان کربلا، زانوی غم در بغل نگرفتند، بلکه با سخنرانی‌های افشاگرانه و خطابه‌های پرشور خود در کوفه، مجلس ابن‌زیاد، کاخ یزید و هر جا که فرصتی پیش می‌آمد، ماهیت اسارت را تغییر داده و آن را به آزادسازی انسان‌ها و بیدارگری اذهان جامعه و زدودن پرده‌های غفلت بدل کردند و زینب علیها السلام، یک «اسیر آزادی‌بخش» شد که جامعه را به آزادی فرامی‌خواند.

حضرت زینب علیها السلام، ام‌کلیثوم علیها السلام و فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، ذهنیت مردم را از اسیران جنگی دگرگون ساختند و به آنان آموختند که در اسارت هم می‌توان آزاده و قهرمان بود و اسارت را به فرصتی برای دفاع از حق و روشنگری بدل کرد.

۷. عمق بخشی بُعد عاطفی حماسه

همیشه حضور زنان و کودکان در صحنه‌ها، ابعاد عاطفی و تحریک احساسات دارد. زنان عاشورایی به بُعد تراژدیک حادثهٔ کربلا عمق بخشیدند و عواطف را به نفع جبههٔ حق بسیج کردند و در مجالی که برای عزاداری برای کشته‌های خویش یافتند، مردم کوفه و شام را هم به گریه انداختند. حضور آنان در عرصه‌های مختلف، به بُعد احساس و عاطفی واقعه عمق بخشید و آن را اثرگذارتر ساخت.

۸. شهیدپروری

نقش مادران در تربیت فرزندان مجاهد، فداکار و شهادت‌طلب بسیار مهم است. در صحنه‌های کربلا، به مواردی برمی‌خوریم که مادران، جوانان خود را تشویق می‌کردند تا به میدان روند و جان خود را فدای دین و امام کنند؛ نمونهٔ آن مادر وهب و مادر عمرو بن جناده است. تربیت نسلی شهادت‌طلب و جان‌نثار، حاصل پیام عاشورا و جلوه‌ای از تربیت‌های مکتبی و عاشورایی مادران شهیدپرور است که برای امروز ما الگوست.

پیام‌ها

۱. صبر و پایداری

حادثهٔ کربلا، سرشار از حوادث تلخ و آمیخته به شهادت‌ها و اسارت‌ها بود. مقاومت در برابر این سختی‌ها در طول سفر، خاصه در بخش اسارت پس از

عاشورا، درس مهم این حضور است. تا آنجا که حضرت زینب علیها السلام در تعبیرات مختلف با نام «قهرمان صبر» به شمار می‌آید و این درس، نکته‌ای است که امام حسین علیه السلام به خواهر خویش و بقیه فرزندان، بازماندگان و اصحاب خویش فرمود. آنان نیز صبورانه و مقاوم تا پایان، ایستادگی کردند.

۲. عفاف

گرچه دشمن سعی کرد با غارت خیمه‌ها، به اسارت گرفتن زنان و دختران و گرداندن آنان در شهرهای مختلف به صورت توهین‌آمیز، شخصیت آنان را خرد کند، اسیران آزاده با تأکید بر مسئله عفاف و حجاب و رعایت حدود الهی و متانت یک زن مسلمان و متعهد، حتی در زمان اسارت و زیر سلطه سربازان دشمن، درس عفاف به جامعه آموختند. اعتراض حضرت زینب علیها السلام به یزید برای هتک حرمت خاندان رسالت و به معرض تماشا گذاشتن اهل بیت علیهم السلام و شهر به شهر گرداندن آنان در برابر نگاه نامحرمان، شاهدی بر این مقاومت بر سر اصول و ارزش‌هاست.^۱ زنان اهل بیت علیهم السلام، با آنکه اسیر بودند و لباس‌هایشان به غارت رفته بود و با وضع نامطلوب در معرض دید مردم بودند، بر هتاکی اعتراض کردند و ام‌کلثوم در کوفه بر سر مردم فریاد کشید که: «آیا شرم نمی‌کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمع شده‌اید؟»^۲ در دوران اقامت چند روزه در کوفه هم، زینب کبری علیها السلام اجازه نداد کسی جز کنیزان، وارد آن خانه شوند.^۳

هنگام ورود به شام، ام‌کلثوم علیها السلام شمر را طلبید و از او خواست تا آنان را از

۱. شیخ عبدالله بحرانی، العوالم (مجلد امام حسین علیه السلام)، ص ۴۰۳؛ باقر شریف قرشی، حیاة الامام

الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۳۷۸.

۲. مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۴۰۰.

۳. همان، ص ۴۲۴.

دروازه‌ای وارد کنند که اجتماع کمتری باشد و سرهای مطهر شهدا را دورتر نگه دارند تا مردم به تماشای آن‌ها پرداخته، کمتر به چهرهٔ اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام نگاه کنند؛^۱ هرچند شمر برعکس عمل کرد و اسیران را از دروازهٔ ساعات وارد دمشق کرد که شلوغ‌تر بود. چنین نکته‌ای از زبان حضرت سکینه علیها‌السلام نیز نقل شده است. وقتی سهل بن سعد، اسیران را شناخت که از دودمان پیامبرند، جلو رفت و اظهار کرد: «آیا کاری از من ساخته است؟» حضرت سکینه علیها‌السلام فرمود: «به نیزه‌داری که این سر را می‌برد، بگو جلوتر از ما حرکت کند تا مردم کمتر به حریم دودمان رسالت چشم بدوزند.» سهل چهارصد درهم به نیزه‌دار داد و او سر مطهر را از زنان دورتر بُرد.^۲

چند چهرهٔ شاخص

در واقعهٔ کربلا، چهره‌های درخشانی از زنان دیده می‌شوند که ایفای نقش کرده‌اند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود. این زنان، برخی از هاشمیان و اهل بیت‌اند و برخی غیرهاشمی‌اند. نمونه‌ها را از هر دو بخش می‌آوریم:

الف) زنان هاشمی

۱. حضرت زینب علیها‌السلام

وی که خواهر امام حسین علیه‌السلام است، در همهٔ مراحل نهضت حضور داشت و پس از شهادت امام علیه‌السلام، رسالت افشاگری علیه ظلم، پاسداری از خون سیدالشهدا علیه‌السلام و شهدای کربلا و تبیین اهداف نهضت را برعهده داشت. خطبه‌های پرشور وی در کوفه، دارالامارهٔ ابن‌زیاد و کاخ یزید، از جملهٔ اقدام‌های اوست. زینب کبری علیها‌السلام با خطبه‌هایش، لذت پیروزی ظاهری را در کام فاتحان تلخ کرد و پایهٔ حکومتشان را

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۵.

۲. باقر شریف قرشی، حیاة الامام الحسین علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳۷۰.

متزلزل ساخت؛ به علاوه، صبوری، شجاعت، متانت و خروش انقلابی او، برای همگان درسی بزرگ برجای نهاد. طنین خطبه او در شهر کوفه، یادآور صدای علی علیه السلام و خطبه‌های او در این دیار بود.

صبح ازل طلوعه ایام زینب است پاینده تا به شام ابد، نام زینب است در راه دین لباس شهامت چو دوختند زینده آن لباس بر اندام زینب است

برخی تعبیر کرده‌اند قیام عاشورا، کتابی بود که در دو جلد نگاشته شد؛ جلد اول را امام حسین علیه السلام نگاشت، با شهادتش و جلد دوم را زینب کبری علیها السلام نگاشت، با اسارتش.^۱ بارزترین بُعد زندگی حضرت زینب علیها السلام، پاسداری از فرهنگ عاشورا بود. مرثیه‌هایی که از قول او در سوگ برادر شهیدش نقل شده، نشانگر «احیای» و «یاد» آن رنج‌ها و مظلومیت‌هاست که مانع فراموش شدن آن حادثه خونین شده است.

۲. فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام

وی نیز همچون زینب کبری علیها السلام در صحنه‌ها حضور داشت و راوی جریان‌های عاشورا برای دیگران بود. وی حامل وصیت‌نامه امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام بود که پس از شهادت امام علیه السلام، آن متن و نامه را به زین العابدین علیه السلام تقدیم کرد.^۲ صحنه‌هایی از حوادث عاشورا مثل غارت خیمه‌های اهل بیت: و گفت‌وگوی حضرت زینب علیها السلام با یزید، از زبان او روایت شده است. وی، در کوفه نیز خطاب‌های غرّا ایراد کرد و به بیان فضایل دودمان رسالت و نکوهش از جنایات یزیدیان

۱. درباره ویژگی‌های شخصیت حضرت زینب علیها السلام، نک: سید نورالدین جزایری، الخصایص الزینبیه، و نیز کتاب زینب، بانوی قهرمان کربلا نوشته حبیب‌الله چایچیان.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۵۰.

پرداخت که حاضران را به گریه انداخت و دل‌ها را سوزاند و ندامت در دل‌ها ایجاد کرد.^۱

۳. ام‌کلثوم، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام

وی دوشادوش حضرت زینب علیها السلام، در وقایع کربلا و پس از آن حضور داشت و در جمع کوفیان، ضمن نکوهش نگاه‌های آزاردهندهٔ آنان به اسیران اهل بیت علیهم السلام و بیان اینکه «ما اسیران آل محمدیم»، خطاب به مردم سخنرانی کرد و از بی‌وفایی و سست‌عهدی کوفیان و جنایات سربازان یزیدی گفت و مرثیهٔ شهادت برادرش امام حسین علیه السلام را خواند؛ به نحوی که اشک از دیدگان مردم جاری شد.^۲ همو بود که وقتی در کوفه، مردم به کودکان اسیر، نان و خرما می‌دادند، از آن نهی می‌کرد و می‌گفت: «ای مردم کوفه! صدقه بر ما حرام است.» او با این رفتار می‌خواست به مردم بفهماند که این اسرا، دودمان پیامبرند که مردانشان به ستم امویان کشته شده‌اند.^۳

ام‌کلثوم، در مجلس ابن‌زیاد هم پاسخی تند به زخم زبان‌های والی کوفه داد.^۴ خطبه‌های این بانوان، خشم ابن‌زیاد و یزید را برانگیخت، آبروی حکومت ستمگر را برد، برای دودمان پیامبر رفعت و سرافرازی آورد و افکار عمومی را علیه دودمان بنی‌امیه برانگیخت.

ب) زنان غیرهاشمی

غیر از زنان دودمان رسالت، زنان دیگری هم بودند که در حادثهٔ کربلا یا قبل و بعد

۱. مقّم، مقتل الحسين علیه السلام، ص ۴۰۵.

۲. همان، ص ۴۱۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۴.

۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۳۹.

از عاشورا، نقش داشته‌اند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. طوعه

مسلم بن عقیل؛، سفیر امام حسین علیه السلام در کوفه، با پیمان شکنی مردم کوفه مواجه شد و غریب و سرگردان در کوچه‌ها می‌گشت. طوعه وقتی مسلم را شناخت، به او پناه داد و به خانه‌اش دعوت کرد و از او پذیرایی نمود. مسلم، میهمان او بود که نیروهای ابن‌زیاد خانه را محاصره کردند و با فرزند دلیر عقیل جنگیدند. فداکاری طوعه، شجاعانه و مؤمنانه بود.

درها همه بسته بود، در قحطی مرد فریاد نشسته بود، در قحطی مرد
یک زن، شب کوچه‌های بن‌بست غریب مردانه شکسته بود، در قحطی مرد^۱

۲. دلهم، همسر زهیر

وقتی سیدالشهدا علیه السلام در راه کربلا به زهیر بن قین برخورد کرد و قاصدی به طرف او فرستاد، ابتدا زهیر مایل نبود که دعوت امام را اجابت کند؛ ولی همسرش دلهم، او را تشویق کرد که نزد امام برود و ببیند که پسر پیامبر صلی الله علیه و آله چه می‌گوید و با او چه کار دارد. همین که زهیر رفت و با امام ملاقات کرد، حسینی شد و به ایشان پیوست.^۲ همسرش نیز همراه او آمد و همراه و همسفر زینب علیها السلام و اهل بیت امام علیه السلام شد. اگر تشویق و تحریک همسر زهیر (دلهم، بنت عمرو) نبود، شاید زهیر توفیق پیوستن به جناح حق و نیل به فوز شهادت نمی‌یافت! این برخورد، معرفت همسر زهیر را می‌رساند. او از همسری بی‌تفاوت و بی‌رغبت به امام علیه السلام، شهیدی والا قدر و جاودانه ساخت و نام زهیر را در کنار شهیدان جاوید عاشورا قرار داد.

۱. محمدرضا سنگری.

۲. مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۲۰۸.

۳. ام‌وهب

وی همسر عبدالله بن عمیر کلبی بود و در کوفه می‌زیست. وقتی شوهرش تصمیم گرفت برای یاری سیدالشهدا علیه السلام، شبانه از کوفه به کربلا برود، اصرار کرد که او را نیز همراه خودش ببرد. آنان شبانه به یاران امام علیه السلام پیوستند. روز عاشورا وقتی شوهرش به میدان رفت، او نیز چوبی به دست گرفت و عازم میدان شد؛ اما امام جلوی او را گرفت و فرمود: «بر زنان جهاد (واجب) نیست.» پس از آنکه شوهرش به شهادت رسید، او خود را به معرکه رساند و به پاک کردن خون از چهرهٔ شهیدش پرداخت. شمر، غلام خود را فرستاد و آن غلام، گریز آهین بر سر آن بانوی رشید کوبید و شهیدش کرد.^۱ ام‌وهب، در تشویق به میدان رفتن فرزند خود هم مؤثر بود. پسرش وهب، به میدان رفت و پس از مقداری جنگیدن، بازگشت و به مادر گفت: «آیا راضی شدی؟» مادر گفت: «وقتی راضی می‌شوم که در رکاب حسین علیه السلام به شهادت برسی.» او دوباره رفت و جنگید تا شهید شد.^۲

۴. مادر عمرو بن جناده

کم‌سن‌وسال‌ترین شهید کربلا از غیر اهل بیت علیهم السلام، عمرو بن جناده یازده‌ساله است. پدرش در حملهٔ اول که عمومی بود، شهید شد. خودش خدمت امام آمد و اجازهٔ میدان طلبید. امام حسین علیه السلام مراعات حال مادرش را می‌کرد و اجازه نمی‌داد؛ اما او اصرار می‌کرد و می‌گفت: «إِنَّ أُمَّیَ أَمْرَتْنِی؛ مادرم مرا دستور داده که در رکاب تو جهاد کنم.»^۳ مادرش (بحریه بنت مسعود خزرجی) علاوه بر آنکه مشوق او برای رزم بود، پس از شهادت فرزند نیز با روحیهٔ بالا با این مسئله برخورد کرد. وقتی

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷.

۳. مهدی شمس‌الدین، انصار الحسین علیه السلام، ص ۸۶.

عمر و بن جناده شهید شد، دشمن سر او را به طرف سپاه امام حسین علیه السلام پرتاب کرد. مادرش سر مطهر آن شهید نوجوان را برداشت و خطاب به او گفت: «چه نیکو جهاد کردی پسر! ای شادی قلبم! ای نور چشمم!...» سپس چوبه خیمه را برداشت و حمله کرد. امام حسین علیه السلام مانع شد و او را به خیمه زنان برگرداند.^۱

۵. همسر مسلم بن عوسجه رضی الله عنه

نامش «ام خَلْف» و از زنان برجسته شیعه بود. وقتی همسرش مسلم شهید شد، پسرش «خَلْف» آماده نبرد شد. امام علیه السلام از او خواست که بماند و به مراقبت از مادرش بپردازد؛ اما مادرش او را به جهاد تشویق کرد و گفت: «جز با یاری پسر پیغمبر، از تو راضی نخواهم شد.» خلف به میدان شتافت و پس از جنگی دلاورانه، به شهادت رسید. وقتی سر او را به طرف مادرش پرتاب کردند، شجاعانه سر را برداشت، بوسید و گریست؛ آنچنان که همه زنان حرم را به گریه انداخت.^۲ ام خلف، در راه دین بر احساسات مادرانه اش غلبه کرد، از جوان خود در راه یاری دین گذشت و بر شهادت همسر و فرزند صبر کرد.

۶. دختر عبدالله بن عقیف

عبدالله بن عقیف، شیعه‌ای ادیب، سخنور و شیفته اهل بیت علیهم السلام بود که در جنگ صفین و جمل در رکاب امیر مؤمنان علیه السلام جنگیده و دو چشمش را از دست داده بود. وقتی در اعتراض به ابن زیاد و در حمایت از امام حسین علیه السلام مورد تعقیب سپاه ابن زیاد قرار گرفت، با آنکه نابینا بود، شمشیری برداشت و در خانه خود با نیروهای مهاجم درگیر شد. در این صحنه، دخترش در خانه حضور داشت و به پدر می گفت

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۰، ص ۳۲۷.

۲. محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۳۰۵.

که دشمن از کدام سمت حمله می‌کند تا او به دفاع بپردازد و در واقع به جای چشم پدر عمل می‌کرد. در آن لحظه، دختر آرزو می‌کرد کاش مردی بود که پیش روی پدر با آن بدکاران فرومایه می‌جنگید! پدرش آن‌قدر جنگید تا به چنگ نیروهای ابن‌زیاد افتاد. او را نزد عبیدالله بردند و پس از گفت‌وگوهایی به شهادت رساندند.^۱

۷. زنی که طفلان مسلم را پناه داد

مسلم بن عقیل رضی الله عنه در کوفه شهید شد. فرزندان او در کربلا بودند. دو طفل کوچک او به نام محمد و ابراهیم جزو اسیران بودند. وقتی اسرا را به کوفه بردند، به دستور ابن‌زیاد آن دو کودک را زندانی کردند. آنان یک سال در زندان بودند. وقتی زندانبان (پیرمردی به نام مشکور) آنان را شناخت و آزاد کرد، شبانه از زندان گریختند و به خانهٔ زنی پناه بردند. آن زن شجاع و باایمان، همسر «حارث» بود. هرچند حارث طفلان مسلم را کشت و سرشان را پیش ابن‌زیاد برد، فداکاری و ایمان آن زن که پناه‌دهندهٔ دو فرزند مسلم بن عقیل رضی الله عنه بود، قابل ستایش است.^۲

۸. زنان بنی‌اسد

بنی‌اسد، قبیله‌ای بودند که نزدیک کربلا می‌زیستند. پس از شهادت امام حسین رضی الله عنه و کوچ سپاه کوفه از کربلا، زنان قبیله از مردان خود خواستند که به دفن اجساد شهدا بپردازند. چون مردان از پی آمده‌های این اقدام ترس داشتند، زنان بنی‌اسد بدون توجه به خطرهای این کار، برای دفن اجساد به سرزمین کربلا رفتند؛ اما اقدام آنان سبب شد که مردانشان غیرت نشان دهند و برای دفن پیکرهای شهدا بروند.^۳ این حرکت و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. دایرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۰.

فداکاری زنان، سبب شد که بنی اسد همواره در چشم و دل شیعیان محبوبیت داشته و قبیله‌ای فداکار و باشهامت شناخته شوند.

۹. دَرَّة الصِّدْف

وی یکی از زنان شیردل شیعه و دختر عبدالله بن عمر انصاری بود که در حلب می‌زیست. وقتی کاروان اسرا به حلب رسید، دَرَّة الصِّدْف تصمیم گرفت با همکاری گروهی از زنان، اسرای اهل بیت: و سرهای مطهر شهدا را از چنگ نیروهای حکومتی درآورند. به نقل تاریخ، حدود هفتاد زن با او همراه شدند و دست به اقدام زدند؛ ولی موفق به اجرای برنامه نشدند، شکست خوردند و دَرَّة الصِّدْف به شهادت رسید.^۱

۱. محمد الحسنون، اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۳۶.